



نوع مقاله: پژوهشی

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۱۴

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۶/۲۳

صفحات: ۴۹-۶۶

doi: 10.29252/mmi.1675.13990623

تأثیر اعتقادات دینی ایلخانان بر تغییرات بناهای مذهبی قرون

۷ و ۸ هجری قمری*

محمدعلی شیخ‌الحکمایی** شروین میرشاهزاده*** سید غلامرضا اسلامی****

زهرافنایی****

چکیده

معماری ایران تحت تأثیر حمله مغولان و سیطره آنان بر سرزمین ایران، دستخوش تغییرات زیادی شد. این تغییرات به‌ویژه در بناهای مذهبی به‌جامانده از قبل، به‌وفور دیده می‌شوند. تغییرات رخ‌داده گاه انسجام فضایی بنا را چنان بر هم زده‌اند که رابطه پشتوانه‌های دینی-مذهبی این بناها با ویژگی‌های کالبدی آنها کاملاً مغشوش به نظر می‌رسد. از این‌رو، پژوهش حاضر بر آن است تا به موازات هم از دو جهت به تبیین موضوع بپردازد؛ نخست با بررسی تحولات تاریخی در این دوره، گرایش‌های اعتقادی مردم و حاکمان وقت را بازخوانی کرده و دریابد با تغییرات اعتقادی در حکام ایلخانی، چه دگرگونی‌هایی بر بناهای مذهبی این دوره به وجود آمده‌اند؟ پژوهش در این بخش به روش تاریخی مبتنی بر شواهدی از متون و اسناد تاریخی است. در بخش دوم، شش نمونه شاخص بناهای به‌جامانده از این دوره، مورد بررسی قرار گرفته است. در این بخش به کمک مطالعات میدانی، مؤلفه‌های تغییر یافته در بناها شناسایی و دسته‌بندی شده و چگونگی این تغییرات روشن شد. مقاله حاضر نشان می‌دهد در آغاز سده هفتم هجری تحت تأثیر درگیری‌های مذاهب شافعی و حنفی، تخریب عمده‌ای در بناهای وابسته به این مذاهب صورت گرفت. در ادامه به واسطه از بین رفتن گرایش اعتقادی غالب در حکومت مرکزی و رواج اعتقاد به شمنیسم و بودایی، معابدی از این دست ساخته شدند. در نیمه دوم سده هفتم ه.ق. ادیان مسیحی و یهودی به واسطه تمایل حکام وقت، امکان اشاعه بیشتری یافتند و متعاقب آن، بناهای دینی جدیدی احداث شدند و در مواردی بناهای جدید، بر پایه بناهای مذهبی تخریب‌شده پیشین ساخته شدند. نهایتاً در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم ه.ق. درگیری بین مذاهب مختلف سنی و شیعه کاهش یافت و ساخت‌وساز ابنیه مذهبی نیز رواج بیشتری داشت. نتایج این تحقیق نشان می‌دهند همان‌طور که گرایش‌های اعتقادی حکام ایلخانی در این دوره بارها تغییر نموده، بناهای مذهبی نیز با تغییرات زیادی چه در سازمان فضایی و چه در تزئینات و نقوش مواجه شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: اعتقادات دینی ایلخانان، تغییرات بناها، مساجد و مقابر، معماری ایران، قرون ۷ و ۸ ه.ق.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری محمدعلی شیخ‌الحکمایی با عنوان «تبیین عوامل مؤثر بر ابهام در تاریخ‌گذاری ابنیه مذهبی قرون ۷ و ۸ هجری قمری» به راهنمایی دکتر شروین میرشاهزاده و دکتر سید غلامرضا اسلامی و مشاوره دکتر زهرافنایی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد است.

m.hokamai@yahoo.com

** گروه معماری، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

She.Mirshahzadeh@iauctb.ac.ir

*** استادیار گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Gheslami@ut.ac.ir

**** استاد گروه معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Z_fanaie@iaun.ac.ir

***** استادیار گروه هنر، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

مقدمه

مروری بر رویدادهای تاریخی سده‌های هفتم و هشتم ه.ق. نشان می‌دهد تأثیرات اجتماعی حاصل از هجوم مغولان به سرزمین ایران توانسته است با تغییرات زیادی در معماری به‌جامانده از این دوران همراه باشد.

در مورد نحوه زندگی اقوام مهاجم و تأثیر آن بر هنرهای بصری به‌جامانده از آنان آمده است؛ «کوچ‌نشینان بالأخص با حیوانات که مانند خود آنان متحرک‌اند سروکار دارند، در حالی که اقوام ساکن به‌عکس، مستقیماً به دو قلمرو نباتی و معدنی مربوط می‌شود. از سوی دیگر، جبر امور اقوام ساکن را وادار می‌کند که برای خود رمزهای بصری یعنی تصاویر ذهنی ترتیب دهند ... بدین ترتیب، اقوام ساکن به ابداع هنرهای تجسمی (معماری و پیکرتراشی و نقاشی) یعنی هنرهای مربوط به صورت‌هایی می‌پردازند که در مکان عرضه می‌شود، در حالی که کوچ‌نشینان هنرهای صوتی (موسیقی و شعر) یعنی هنرهایی را می‌آفرینند که در زمان جریان می‌یابد» (گنون، ۱۳۹۲: ۱۷۵ و ۱۷۶). به نظر می‌رسد در فرهنگ اقوام کوچ‌نشین مغول، بناهایی که متعلق به جوامع یکجانشین هستند، واجد ارزش نبوده و از این‌رو، بسیاری از بناهای به‌جامانده از قبل در این دوران به کلی تخریب شده و یا دچار تغییرات زیادی شدند.

به‌عنوان مثال، کلاویخو در سال ۸۰۸ ه.ق. به مسجدی اشاره می‌کند که سقف آن علی‌رغم بلند بودن، از نظر تیمور کوتاه بوده و دستور تخریب و تغییر آن را داده است؛ «سقف بسیار بلند [مسجد] هم از بیرون و هم از درون باشکوه و عظمت خاص با کاشی‌های زرین و آبی‌رنگ صورت زیبایی آرایش گشته بود. با این وجود، وقتی تیمور از بنا بازدید می‌کند اتاق بزرگ آن را نمی‌پسندد و می‌گوید سقف آن کوتاه است و بی‌درنگ دستور می‌دهد تا دیوارهای آن را ویران کنند» (دانشدوست، ۱۳۵۹: ۹۳). این مثال، یکی از نمونه‌هایی است که نمایانگر تأثیر ویژگی‌های فرهنگی حاکمان مغول بر تغییر بناهای موجود ایران در آن زمان است (عادت به زندگی در دل طبیعت و احساس کوتاه بودن سقف در مقایسه با بلندای آسمان). این تأثیرپذیری از فرهنگ و اعتقادات بیگانگان به‌ویژه در حیطه ابنیه مذهبی بیشتر دیده می‌شود. چنانچه مروری بر نمونه‌های به‌جامانده از این دوره نشان می‌دهد حضور حاکمان ایلخانان در طول زمان توانسته تغییرات خاصی در معماری مذهبی این دوران به همراه داشته باشد.

مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهند برخی از ساختمان‌های مذهبی به‌جامانده از این دوره به لحاظ ویژگی‌های فضایی،

دارای انسجام لازم نبوده و رابطه پشتوانه‌های دینی - مذهبی این بناها با ویژگی‌های کالبدی آنها چندان روشن نیست. سؤال مطرح‌شده در پژوهش این است که در پی تغییرات اعتقادی حکام ایلخانان، بناهای مذهبی این دوره با چه دگرگونی‌هایی مواجه بودند؟

اگر یکی از اهداف مطالعات تاریخی در حیطه معماری ایران، شناخت ویژگی‌های مفهومی نوع خاصی از بنا (به‌عنوان مثال، تبیین ویژگی‌های مفهومی مسجد) از طریق مطالعه سیر تحول نمونه‌های آن در طول تاریخ در گستره فرهنگی ایران زمین باشد، تغییرات مکرر رخ‌داده بر بناهای مذهبی این دوره می‌توانند پژوهشگران تاریخ معماری را در رسیدن به اهداف خود گمراه سازند. از این‌رو، شناخت تحولات معماری رخ‌داده بر بناهای مذهبی به‌جامانده از این دوره به‌عنوان یکی از دوره‌های تاریخی مؤثر در معماری ایران تحت تأثیر تغییرات اعتقادی حکام ایلخانان، ضروری به نظر می‌رسد.

مقاله حاضر سعی دارد با بررسی دقیق تحولات تاریخی در این دوره، از یک‌سو گرایش‌های اعتقادی حاکمان وقت و تغییرات آنها را پیگیری نماید و از سوی دیگر، تغییرات رخ‌داده در ابنیه این دوره را ریشه‌یابی نموده و رابطه عوامل دینی - مذهبی بر رخدادهای معماری این دوران را روشن نماید.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های مرتبط با تاریخ‌گذاری بناهای تاریخی را می‌توان به دو بخش مطالعات تاریخی و مطالعات کالبدی دسته‌بندی کرد. مطالعات تاریخی مرتبط با اعتقادات حکام و یا تأثیرپذیری آنان از نزدیکان و یا شرایط موجود سده‌های هفت و هشت ه.ق. در بیشتر موارد، مؤید سلسله رویدادهایی است که بستر موجود بر اعتقادات حکام تأثیرگذار بوده‌اند. در این بین، مورخینی چون اقبال آشتیانی (۱۳۸۴) و اشپولر (۱۳۷۴) تحقیقات مؤثری داشته‌اند. از طرف دیگر، برخی پژوهشگران با زمینه معماری را می‌توان نام برد که به‌طور خاص بناهای این دوره را مطالعه کرده و تأثیر زمینه‌های تاریخی بر بناها را بسیار موشکافانه مورد واکاوی قرار داده‌اند. محققینی چون؛ بلر و بلوم (۱۳۸۵) و بلر (۱۳۸۷ الف؛ ۱۳۸۷ ب) با تمرکز بر تک بناها و ویلبر (۱۳۶۵) به‌طور مشخص بر معماری بناهای دوره ایلخانان و سایر محققین همچون؛ گدار (۱۳۸۷)، پوپ (۱۳۸۷)، هیلن‌براند (۱۳۷۴) به صورت مطالعات موردی بر نمونه‌ها به بررسی بناهای این دوره تاریخی پرداخته‌اند. پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه تغییرات صورت‌گرفته در بناهای این دوره، به چهار شاخه قابل تقسیم هستند؛ تحقیقاتی که به تغییرات صورت‌گرفته بر فرم و فضا، بر کتیبه و اسناد،

نتایج این تحقیق نشان می‌دهند همان‌طور که گرایش‌های اعتقادی حکام ایلخانی در این دوره بارها تغییر نموده، بناهای مذهبی نیز با تغییرات زیادی چه در سازمان فضایی و چه در تزئینات و نقوش مواجه شده‌اند.

تاریخ اجتماعی

از دیدگاه پژوهشگران، تاریخ اجتماعی، جریانی بسیار وسیع است که در سیر تاریخ‌نگاری سیاسی قرن بیستم پدید آمد. هدف این نوع تاریخ‌نگاری بر این است که به مثابه صورتی از تاریخ ترکیبی عمل کند که به بیان و گزارش‌های مشهور تاریخی اکتفا نمی‌کند؛ بلکه در پی تحلیل داده‌های تاریخی به شیوه‌ای نظام‌مندتر از رویکردهای پیش از خود است (موسی‌پور، ۱۳۸۶: ۱۴۷).

در آخرین نگرش مطالعاتی تاریخ اجتماعی که با دیدگاه جامع‌تری نسبت به پیشینیان خود به مطالعه می‌پردازد، سعی بر پیوند محتوای اصلی تاریخ اجتماعی و تاریخ فرهنگی و سیاسی دارد. بدین منظور که محقق با تمرکز بر عناصری از تاریخ سیاسی، این عناصر را در تاریخ اجتماعی جذب کند. حوزه‌هایی که در این گروه برای تاریخ اجتماعی شکل گرفته، خود شامل سه حوزه هستند.

حوزه اول، به بررسی روابط مردم با مردم، حوزه دوم به بررسی رابطه مردم با حکومت و حوزه سوم، به بررسی مردم با زیست‌جهان می‌پردازد. این حوزه سوم خود به دو بخش؛ رابطه مردم با زیست‌جهان مادی^۱ و رابطه مردم با زیست‌جهان غیرمادی تقسیم می‌شود. رابطه مردم با زیست‌جهان غیرمادی در بردارندهٔ آیین‌ها و باورها، فرهنگ و آموزش و پرورش و انتقال علوم و معارف و نظایر آنها است (همان).

به همین منظور به جهت شناخت رابطه مردم با زیست‌جهانی غیرمادی در دوره ایلخانی، به بررسی وضعیت اجتماعی-اعتقادی مردم ایران در پیش از حمله مغول و سپس به وضعیت اعتقادی مردم ایران در اواسط قرن هفت ه.ق. پرداخته و در ادامه، اعتقادات ایلخانان و نحوه برخورد با شرایط اجتماعی-اعتقادی مردم ایران بررسی خواهد شد.

مروری بر وضعیت اعتقادی مردم ایران پیش از حمله مغول

از دیرباز یکی از مشکلات اساسی بیشتر شهرها در ایران‌زمین، کشمکش‌ها و نزاع‌های مذهبی و فرقه‌ای بوده که هر از چند گاهی سبب کشتار و ویرانی‌های زیادی شده‌اند (تنهایی و دیگران، ۱۳۹۱: ۹۵). عدم انسجام ساختار حکومتی خوارزمشاهیان، موجب آشفتگی شرایط مردم ایران و در

بر نقوش و تزئینات و بر مصالح و فن‌آوری ساخت اشاره کرده‌اند. در زمینه فرم و فضا می‌توان به کلایس (۱۳۸۱) و منصوری و آجورلو (۱۳۸۲)، در زمینه کتیبه و اسناد به قوچانی و آیت‌الله زاده شیرازی (۱۳۶۷) و شیخ‌الحکمایی و حسنی (۱۳۹۵) و نظایر آنها، در زمینه نقوش و تزئینات به مکی‌نژاد و دیگران (۱۳۸۸) و فرهمند بروجنی و سلیمانی (۱۳۹۱) و در نهایت در زمینه مصالح و فن‌آوری ساخت، به آیت‌الله زاده شیرازی (۱۳۵۹)، بحرالعلومی (۱۳۹۲)، احمد صالحی کاخکی و دیگران (۱۳۹۳) اشاره کرد. ولیکن این پژوهش‌ها به‌طور مشخص به رابطه بین تغییرات بناها تحت تأثیر اعتقادات دینی نپرداخته‌اند.

جنبهٔ نوآورانه در این پژوهش، توجه به تعدد اعتقادات ایلخانان و در نتیجه، تأثیر پذیرفتن بناها از تغییرات اعتقادی در این بازه زمانی است.

روش پژوهش

تحقیق حاضر به لحاظ ماهیت، کیفی است و خود ترکیبی از دو پژوهش بوده که به‌طور موازی انجام شده است. در بخش اول، تحقیق تاریخی مبتنی بر خوانش متون و اسناد معتبر به نیت شناخت تغییرات اعتقادی مردم و حاکمان دوره است. در این بخش از پژوهش، تمام شواهد در رابطه با اقدامات حکام زمانه و دستورات ایشان پیرامون تغییر بناهای مذهبی موجود یا ساخت بناهای جدید گردآوری شده و در یک روند تاریخی در مقایسه با یکدیگر قرار گرفتند. بخش دوم پژوهش که به لحاظ نوع تحقیق، مطالعه‌ای موردی است، به دنبال شناخت بناهای مذهبی دوره و تغییرات رخ داده در آنها است. در این راستا، بناهای مذهبی به‌جامانده از قرون هفتم و هشتم ه.ق. که طبق فهرست ویلبر (۱۳۶۵) ۱۱۹ اثر هستند، مورد بررسی قرار گرفتند. از این میان، ۴۴ اثر در مشاهدات میدانی توسط پژوهشگر شناسایی، پیمایش و تصویربرداری شد؛ اسناد و مدارک آنها اعم از نقشه‌ها، گراورها و کتیبه‌ها گردآوری و تجزیه و تحلیل شدند. اما با توجه به فضای محدود مقاله، از این بین، شش نمونه شاخص که تغییرات متعددی داشته و اسناد مکمل این تغییرات قابل شناسایی و دست‌یابی بودند، به‌عنوان مصادیق خاص و مبین، انتخاب شده که در پژوهش حاضر مورد واکاوی قرار گرفتند. این مصادیق در یک روند تاریخی به لحاظ چگونگی تغییرات کالبدی مبتنی بر اسناد، بررسی و با یکدیگر مقایسه شدند. در مرحله بعد، نتایج حاصل از مطالعات هر دو بخش با یکدیگر مقایسه شده و در یک روند تاریخی، رابطه رویدادهای معمارانه با روند تغییرات اعتقادی مورد کاوش قرار گرفت.

نتیجه، سبب از بین رفتن مقاومت در برابر حملات مغولان شد. درگیری‌ها و تعصب‌های مذهبی، بحث در ترجیح مذاهب بر یکدیگر و اختلاف و مشاجره بین علمای آنها جریان داشت و تقریباً می‌توان گفت کمتر شهری از این مسائل به دور بود (راوندی، ۱۳۳۳: ۱۸۲).

برخی حکام و بزرگان جهت تقویت مذهب مورد توجه خود، اقدام به ساخت مساجد و مدارس خاص آن مذهب می‌کردند و این خود به اختلافات دامن می‌زد. این کار از سده پنج هجری به بعد اوج گرفت؛ زیرا سلاطین حنفی مذهب سلجوقی در رقابت با اقدام خواجه نظام‌الملک توسی، وزیر قدرتمند شافعی مذهب خود که به تأسیس مدارس نظامیه برای شافعیان پرداخته بود، به ساخت مساجد و مدارس خاص حنفیان دست زدند. به همین علت، هنگام درگیری و اغتشاش، مدارس و مساجد دارای گرایش مذهبی خاص همچون مدرسه حنفی ملک زوزن، جزء اولین بناهایی بودند که به دست مخالفان تخریب می‌شدند (بلر، ۱۳۸۷: ۱۳۲ و ۱۳۳). در ابتدای قرن هفت اختلاف بین مذاهب سنی در ایران رواج داشت؛ یعنی حنفی علیه شافعی و شافعی علیه حنفی^۲ در نزاع بودند و همگی این موارد مهم‌ترین تأثیر خود را علاوه بر از بین بردن شهرها و کشتار انسان‌ها، بر تخریب و یا تغییر ابنیه داشتند (زرین کوب، ۱۳۵۳: ۱۶۱-۱۵۹).

وضعیت اعتقادی مردم ایران در اواسط قرن ۷ ق.ه.

در این دوران، شیعیان که همواره در طول ۵۰۰ سال از تسلط امرای عباسی به ستوه آمده بودند، با مغولان همکاری کردند تا بتوانند خلیفه عباسی را که قدرت مطلق و مسلط بر منطقه بود خلع کنند. نکته حائز اهمیت آن است که حکومت‌های مسلط بر ایران پیش از این دوران (نظیر غزنویان، سلجوقیان و ...) قبل از آنکه بتوانند بر ایران حاکم شوند، مسلمان شده بودند و به لحاظ اعتقادی، تحت تأثیر حکومت‌های خارج از سرزمین‌های اسلامی نبودند؛ در حالی که مغولان معتقد به شمنیسم بوده و بعضاً نیز بودایی بودند. آنچه مغولان برای حکومت بر سرزمین ایران نیاز داشتند، همسویی و همگامی با فرهنگ و اعتقادات مردم این کشور بود. اولین گام در تعامل آنان با مردم ایران، پذیرش اعتقادات آنان و اسلام آوردن بود. مغولان در همان اوایل حکومت خود دریافتند که اصول و تدابیر بدوی آنها در ایران قابل تطبیق نیست. پس بالطبع مجبور شدند وزرای ایرانی (همچون نصیرالدین طوسی، عطاملک و شمس‌الدین جوینی، رشیدالدین فضل‌الله همدانی) استخدام نمایند (مجتهدی، ۱۳۹۵: ۹۰).

از این‌رو، بررسی معماری ایلخانی نیز همواره با دوگانگی

همراه است؛ زیرا از یک طرف، با تحولات و تغییرات تحت تأثیر حملات مغول و بعد از آن مواجه بوده و از طرف دیگر، با شکوفایی هنر و معماری در بعد از آن. آنچه از بررسی نمونه‌ها برمی‌آید، بناهایی که نشانه‌ای از نشر و گسترش عقاید دینی - مذهبی خاص بر جامعه داشتند، در این دوره منهدم شده یا تغییر یافتند^۴.

اعتقادات ایلخانان و نحوه برخورد با شرایط اجتماعی - اعتقادی مردم ایران

فرمانروایان مغول هیچگاه نکوشیدند که دین خاصی را بر رعایای خود تحمیل کنند، ولیکن سرانجام فاتحان مغول خود را ناگزیر دیدند یکی از ادیان جهانی قلمرو خود را بپذیرند و پس از بسط و گسترش حکومت خود، با مذاهب دیگر روابط حسنه ایجاد کردند؛ زیرا می‌خواستند به زعم خود، از نیروی خارق‌العاده همه ادیان به نفع سلامت جسم و روح و دفع شر و خلاصه کلیه امور دنیوی خود سود جویند (بیانی، ۱۳۶۷: ۲۲). مغولان، شمن باور بودند. آنان پس از مرگ منتظر حیاتی بودند که به حیات دنیوی شباهت کامل داشت (اشپولر، ۱۳۷۴: ۱۷۵). به موجب فرامین گزارش شده چنگیز خان، کلیه ادیان از آزادی برخوردار بوده‌اند؛ تنها تفاوت آن با زمان قبل در این واقعیت بود که اسلام در موقعیت ممتازی قرار نداشت (مورگان، ۱۳۸۹: ۱۹۳). ایلخانان نیز تعصبات مذهبی حکومت سلجوقیان را نداشتند، از پیروان ادیان دیگر به‌عنوان نمایندگان رسمی خود در مناسبات سیاسی هم استفاده می‌کردند (میر احمدی، ۱۳۹۵: ۲۷۹). زمان ارغون، دین بودا در میان مغولان رونق فراوان یافت و آئین شمینی کاملاً محو شد (اشپولر، ۱۳۷۴: ۱۸۶). تسلط بوداییان در غرب ایران بالطبع موجب گسترش بت‌خانه‌ها شد و در شهرهایی چون؛ خوی، مراغه، شهرهای آذربایجان و آران، بت‌خانه‌های متعددی ساخته شدند. رشیدالدین فضل‌الله در این باره می‌نویسد: بت‌پرستان قوی حال شدند و کار مذهب ایشان به عیوق رسید (همدانی، ۱۳۳۸: ۷۲۶). معابد بودایی ظاهراً در سراسر ایران نیز پراکنده بوده‌اند. گفته می‌شود بیشتر این معابد در سال ۶۹۵ ه.ق. ویران شده‌اند. اعتقادات زنانی که در دربار مغولان بودند نیز نقش به‌سزایی بر سرنوشت جامعه داشت. مادر و تعدادی از همسران منگوقاآن و همسر هلاکو، مسیحی بودند. این وضع پس از سال ۶۹۴ ه.ق. نیز برای مدتی طولانی پایدار ماند. این زنان نه تنها خود معتقد به مسیح بودند، بلکه دستور می‌دادند که فرزندان آنها (تکودار احمد و الجایتو) غسل تعمید شوند. تکودار احمد با پیروان ادیان دیگر رفتاری مسالمت‌آمیز داشت، اما با بوداییان سختگیری شدید داشت و معابد آنان را ویران کرد. ارغون در زیر لوای بودا و دشمنی با

تأثیر مذهب مورد پذیرش ایلخانان در تحولات بناهای دینی - مذهبی قرون ۷ و ۸ ه.ق.

در رابطه با دین و مذهب مورد پذیرش ایلخانان و تأثیرات آن در محیط، به موارد زیادی می‌توان اشاره کرد؛ به‌عنوان مثال، به واسطه نفوذ خواجه نصیرالدین طوسی در دربار ایلخان و هلاکو، وی توانست میان او و شیعیان روابط حسنه برقرار کند. وجود این روابط دوستانه موجب آن شد که ایلخان دستور دهد عتبات شیعیان از هر گونه صدمه‌ای محفوظ بماند. مرقد حضرت علی (ع) به وسیله صد تن مغول محافظت شد. پس از مرگ وی کمتر در جامعه ایلخانی به شیعیان توجه صورت گرفت تا زمانی که غازان مجدد به اعقاب حضرت علی (ع) توجه نموده و آنان را از پرداخت مالیات معاف کرد. همچنین، به تزئین اماکن متبرکه شیعیان (کربلا) که خود نیز به زیارت آن می‌رفت پرداخت (همان: ۲۴۵).

آن دسته از ایلخانان که معتقد به دین مسیحیت بودند، دستور به تأسیس کلیسا می‌دادند (نظیر هلاکو، بایدو و ...) (جدول ۱). برخی نیز فرمان ضرب سکه‌هایی با نام پدر، پسر و روح‌القدس دادند و آن را منقوش به صلیب می‌کردند (همچون اباق‌ان و ارغون). همسر اباق‌ان برای تزئین کلیسای یونانی تبریز، نقاشانی را از قسطنطنیه دعوت کرد که در نقاشی کلیسای یعقوبیان هم از آنان استفاده شد. در دوره تکودار احمد از اشاعه مسیحیت جلوگیری شد و فرمان داد از کلیساها مسجد بسازند. فرمان چپاول معابد بودایی و کلیسای مسیحی توسط غازان و تخریب معابد مسیحی، یهودی و بودایی و تغییر برخی از این معابد به مسجد نیز در این دوران رخ داد. کلیسای تبریز و اردبیل ویران شد. آزار و تجاوز به حدی رسید که ناگزیر به توقف این تخریب‌ها شد و برای کسانی که به کلیسای مسیحی آسیب می‌رساندند، مجازات تعیین کرد. ولی تخریب معابد بودایی همچنان مجاز بود. الجایتو به تحریک دائمی خود ارنجن موافقت نکرد که مسلمانان در تبریز کلیسایی را به شکل مسجد درآورند. او برعکس موافقت کرد که در سال ۷۰۷ ق. مردم ارمنستان و گرجستان را به قبول اسلام مجبور کنند. کمی بعد از جلوس ابوسعید در سال ۷۱۷ ق.، جبل‌های سوم آخرین حامی مسیحیت، درگذشت و در طول قرن‌های بعدی مسیحیت هیچ نوع اهمیت سیاسی دیگر نیافت. ابوسعید برخلاف وعده‌ای که به شاهان مغرب‌زمین داده بود، فرمان تخریب کلیساهای مسیحی را داد (همان: ۲۲۸-۲۱۷). در جدول ۱، تغییر دین و مذهب حکام ایلخانی و تأثیرات این تغییرات بر بناهای دینی و مذهبی آمده است.

اسلام جنگید. سرانجام فرمانروایی تکودار احمد در زیر فشار افکار عمومی درهم شکست و جلوس ارغون در حکم پیروزی جدید دین بودا و آغاز یک دوران ضد اسلامی بود. بعد از مرگ ارغون در سال ۶۹۴ ق. و جنگ‌های درگرفته میان بایدوخان (که بودایی بود) و غازان خان (که مسلمان بود)، نهایتاً پیروان دین اسلام پیروز شدند. غازان خان به فرمان پدر خود تربیت بودایی یافته و تا سال ۶۹۴ ق. به تقویت این دین پرداخته بود. وی سپس پی برد که چنانچه خود را با شرایط زمان سازگار کند، امید موفقیت می‌رود و به این ترتیب، حاضر به تغییر دین در سال ۶۹۴ ه.ق. شد و نام محمود را بر خود برگزید. در نتیجه، درمی‌یابیم که رفتار مذهبی ایلخانان تحت تأثیر مقاصد سیاسی قرار داشت. پیروان غازان فرمانروای مسلمان، دین بودا را یک‌باره ریشه‌کن کردند. معابد بودایی چپاول و ویران شد و یا آن را به شکل مسجد درآوردند (اشپولر، ۱۳۷۴: ۱۸۹-۱۸۷). غازان علاوه بر تضعیف ادیان دیگر، به‌طور مستقیم به تقویت اسلام پرداخت. او مکرراً به مساجد می‌رفت. وی فرمان داد تا در تمام دهات، مسجد بنا کنند. به فرمان او، به بنای مساجد، مدارس علوم دینی، صومعه برای دراویش، منازلی برای اعقاب حضرت پیغمبر، بیمارستان، کتابخانه، ساختمان‌های عام‌المنفعه و موارد دیگر اقدام شد. اما اسلام در ایران به شکل واحد نبود و غازان پس از تشریف خود به این دین نیز مجبور بود از گروهی معین جانب‌داری کند و چون وی به مکتب فقه حنفی پیوست، لذا پیروان این مکتب را در برابر مکاتب سه‌گانه دیگر تقویت می‌کرد. غازان می‌کوشید تا حسن نیت خود را نسبت به شیعیان ثابت کند و لذا به زیارت مرقد حضرت علی و امام حسین رفت. الجایتو برادر و جانشین غازان نخست مسیحی بود، سپس بودایی شد و سرانجام به اسلام تشریف یافت. اگرچه الجایتو با کوششی خاص به اجرای دقیق شریعت همت گماشت و امیدوار بود که از این راه برای خود کسب محبوبیت کند، اما چون در سال ۷۰۷ ه.ق. تحت تأثیر رشیدالدین و نظام‌الدین قرار گرفت و مکتب حنفی را ترک کرد و به جای آن به مکتب شافعی پیوست (همان: ۱۹۵-۱۹۱)، کار اختلاف و دودستگی آنچنان بالا گرفت که فرمانروا تقریباً دو سال پس از آن از اهل سنت یکسره روی گرداند و توسط علامه حلی به مذهب تشیع گروید (جعفریان، ۱۳۷۵: ب: ۱۶۹). بعد از مرگ الجایتو، مریان و مشاوران ابوسعید موفق شدند که ایلخان جوان را به مبانی مذهبی اهل سنت معتقد سازند (اشپولر، ۱۳۷۴: ۱۹۶). به این ترتیب، مذهب شیعه اثنی عشری نفوذ خود را در دستگاه دولت از دست داد. ایران از آن پس نیز عرصه برخورد شاخه‌های مختلف اسلام با یکدیگر بود تا آنکه با تشکیل سلطنت صفویه، پیروزی نصیب اهل تشیع شد.

جدول ۱. اعتقادات حکام ایلخانی و نوع برخورد با ابنیه دینی - مذهبی

ایلخان (حکومت)	دین اول	دین دوم
	عامل مؤثر بر تغییر اعتقاد	
هلاکو (۶۶۳-۶۵۱ ه.ق.)	شمنی	بودایی
	الف: هایتون اول به گفته خود افتخار می‌کند که موجد یکی از وقایع بزرگ تاریخی است؛ یعنی ارسال هلاکو به غرب علیه مسلمانان شام و مصر (ویلبر، ۱۳۶۵: ۶) ب: - بت‌خانه‌های بودایی در خوی داشت. - احترام گذاشتن به مسیحیت ج: معبد بودایی در خوی (همان: ۲۰۵)	
اباقان بن هلاکو (۶۸۰-۶۶۳ ه.ق.)	بودایی	مسیحیت
	الف: طرح اتحاد با مسیحیان و پاپ و سلاطین مسیحی اروپایی علیه مسلمانان ریخت (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۴: ۲۲۵ و ۲۲۶) و اسلام آوردن دختر سوم اباقان و به همسری گرفتن دختر سلطان قطب‌الدین حاکم کرمان کمک به حفظ مسلمانان. ب: - اوج بودایی‌گری و ساخت بت‌خانه‌ها و سازش با مسیحیان. - بستن مساجد و ضبط اموال آن (اشپولر، ۱۳۷۴: ۲۴۲). ج: صومعه سن مرصهیون در حوالی طوس (ویلبر، ۱۳۶۵: ۲۰۵)	
تکودار احمد بن هلاکو (۶۸۳-۶۸۰ ه.ق.)	مسیحی نسپوری	مسلمان
	الف: برخلاف بقیه مغولان علیه مملوکان جنگ نکرد و پیام دوستی فرستاد (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۲) ب: - تبدیل کلیساها به مساجد. - جبران خسارات برادر خود و برپا ساختن مساجد و مدارس از نو (اشپولر، ۱۳۷۴: ۲۴۳).	
ارغون بن اباقان (۶۹۰-۶۸۳ ه.ق.)	مسیحی	بودایی (بخشیان)
	الف: - اوج قدرت گرفتن یهودیان و انحطاط اسلام. - سعدالدوله به ارغون پیشنهاد کرد خود را به‌عنوان پیشوای دین جدیدی مطرح کند. - سخت معتقد بخشیان بود (همدانی، ۱۳۷۳: ۱۱۷۹). ب: - احترام به مسیحیان - اجازه دادن به مسلمانان به برپایی چهار منبر در تبریز به صورت موقت و سپس به دشمنی با مسلمانان به تحریک سعدالدوله ابهری پرداخت. - کلیساهایی که تکودار ویران کرده بود، عمارت نمود و آباد کرد (گروسه، ۱۳۶۵: ۶۰۰) ج: - تجدید بنای کلیسای مرشلیقه در مراغه - کلیسای مجاور قصری به نام دروازه سلطنت (ویلبر، ۱۳۶۵: ۲۰۵)	
گیخاتو بن اباقان (۶۹۴-۶۹۰ ه.ق.)	بودایی	مسیحی
بایدو بن طرغان (۶۹۴ ه.ق.)	شمنی	مسیحی
غازان بن ارغون (۷۰۳-۶۹۴ ه.ق.)	بودایی	اسلام (حنفی)
	الف: - نخستین ایلخانی که رسماً مسلمان شد. - یرلیغ و جوب قبول اسلام و اجرای آداب دینی و جانب عدالت و عدم ظلم به زیردست. - احترام به شیعیان ب: - در ابتدا معبد بزرگ بودایی در خبوشان (قوچان) داشت. - ویران کردن بت‌خانه‌های بودایی و معابد غیراسلامی در سراسر کشور. - در تبریز بت‌های کفار را شکستند و کلیساها را به مساجد تبدیل کردند. - تبدیل کلیساها به مساجد (اشپولر، ۱۳۷۴: ۱۳). - سپس مجازات کنیسه‌های یهودی به مساجد. - تخریب و تبدیل معابد بودایی به مساجد. - سپس مجازات در صورت تخریب کردن کلیساها و تبدیل کلیساها به مساجد. - فرمان ساخت یک مسجد و یک حمام در هر قریه ج: - تکمیل معبد بودایی در قوچان که ارغون آغاز کرده بود. - صومعه اسلامی در همدان. - تکمیل صومعه یحیی تعمیددهنده در مراغه (ویلبر، ۱۳۶۵: ۲۰۵)	

ایلخان (حکومت)	دین اول	دین دوم
	عامل مؤثر بر تغییر اعتقاد	
الجایتو بن ارغون (۷۱۶-۷۰۳ ق.ه)	مسیحی	الف: - با نفوذ یکی از زنان خود به اسلام در آمد. - ابوحنیفه او را به حنفی در آورد. - در مناظره با علامه حلی به شیعه در آمد. - جریان‌های اختلاف مذهبی و قاضی شیراز و سگ‌ها و در نهایت مجدداً سنی شدن (ویلبر، ۱۳۶۵: ۲۶). - مرگ به دلیل شراب خوردن بیش از حد ب: - عدم پذیرش تغییر کلیساها به مساجد. - زیارت مقبره حضرت علی در ۷۱۰ ق.ه - آتش زدن پراکنده کلیساها توسط اشراف مسلمان در ۷۱۲ ق.ه
		اسلام: ۱. حنفی ۲. شیعه ۳. مجدداً حنفی
ابوسعید بن الجایتو (۷۳۶- ۷۱۶ ق.ه)	اسلام (سنی)	مادر، او را در ۶۹۱ ق.ه غسل تعمید داد.
	مربیان و مشاوران	الف: - تحریم مشروبات الکی. - تبعید خوانندگان و رقاصان ب: - صدور فرمان انهدام و تخریب کلیساها

(نگارندگان)

تجزیه و تحلیل نمونه‌ها

از بین ۱۱۹ اثر به‌جامانده از دوران ایلخانی که توسط ویلبر شناسایی شده، ۱۱۲ بنا در مرزهای ایران زمین واقع شده‌اند. از این میان، ۴۳ اثر توسط نگارندگان مورد بازدید، پیمایش و تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. از طرفی، اسناد و شواهد تاریخی اعم از متون، کتیبه‌ها، گراورها و نقشه‌ها گردآوری شده و شرایط بناها در وضع موجود آنها با شواهد تاریخی مقایسه شدند. سپس، تغییرات صورت‌گرفته در بناها بر اساس مستندات تاریخی مورد بررسی قرار گرفتند. به دلیل محدودیت مقاله، از این میان، ۶ اثر که با تغییرات مکرر در این دوران مواجه بوده و در متون و اسناد نیز شواهدی مبنی بر این تغییرات به‌دست آمده، به‌عنوان مصادیق نمایاننده انتخاب شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. این مصادیق بعضاً حتی در شناسایی کارکرد اصلی ائینه، پژوهشگران را با ابهام مواجه ساخته‌اند. این بناها ساختمان‌هایی هستند که در دوره ایلخانی دچار تغییر شده، ولی الزاماً در این دوره ساخته نشده‌اند.

مدرسه (مسجد) ملک زوزن (۶۱۶)

در زیر ایوان اصلی (غربی) این بنا، کتیبه شمسۀ میانی به خط کوفی است که در مرکز ستاره شمسه، نام جلاله "الله" و در اضلاع ستاره در جهت گردش عقربه ساعت، نام‌های محمد (ص)، ابوبکر، عمر، عثمان و علی (ع) دیده می‌شوند. در حفاری‌هایی که در فضای ایوان غربی صورت گرفتند، آثار معماری از جمله ستون‌های مدور و محراب سالم گچ‌بری کشف شده که احتمالاً مربوط به مسجدی از دوره سلجوقی بوده‌اند (تصویر ۱). شیلا بلر معتقد است کتیبه این بنا اشاره به موضوع

خاصی دارد که از پیروزی افراد باایمان دفاع می‌کند (تصویر ۲). پیش از این نیز سلجوقی‌ها به شکلی بحث‌انگیز از این آیه‌ها در تزئین نمای سردر جنوبی بنای مقدس گنبدداری که در مدخل مسجد جامع اصفهان قرار داشت و به‌عنوان نخستین بنای سلجوقی در هیئت مسجد جماعت پایتخت بعد از شکست از کاکویه‌های شیعی شناخته می‌شد، استفاده کردند (بلر، ۱۳۸۷: ۱۴۳-۱۴۰). نکته‌ای که در مورد این بنا قابل توجه است، ابهام در کارکرد و عملکرد این بنا است که توسط گذار به‌عنوان مسجد پنداشته شده و بلر آن را به‌عنوان یک مدرسه حنفی اصلاح می‌کند. متن‌های هم‌زمان با همان ایام نیز اثبات می‌کنند که بنای زوزن، یک مدرسه حنفی است (همان: ۱۳۲ و ۱۳۳). کشف بقایایی از مسجدی مربوط به دوره قبل‌تر از این مدرسه، احتمال اینکه این بنا بر روی مسجدی که تخریب شده باشد را می‌رساند. به‌علاوه، متن کتیبه مذکور، ذکر اسامی خلفا و شاخص بودن بنا به مدرسه (و یا مسجد) حنفی، این احتمال را تقویت می‌کند که تخریب این بنا با توجه به ریشه‌های سنی آن در جریان حملات مغول بی‌بهبانه نبوده است (تصویر ۳).

گنبد علویان همدان (حدود ۶۴۰ / ۷۱۵)

مشهور است که مزار موجود در سرداب این بنا، متعلق به دو یا چند نفر از خاندان علویان است که تاریخ وفات و هویت آنها به‌درستی معلوم نیست. مصطفوی، با اشاره به شباهت هیئت خارجی گنبد علویان با گنبد سرخ مراغه و نیز شباهت داخل آن با گنبد حیدریه قزوین، این بنا را از ائینه نیمه دوم قرن ششم هجری قمری دانسته است (مصطفوی، ۱۳۸۱: ۱۵۶ و ۱۵۷). به اعتقاد مشکوتی، این بنا از آثار دوره سلجوقیان است و در دوره مغول تزئین و مرمت شده است

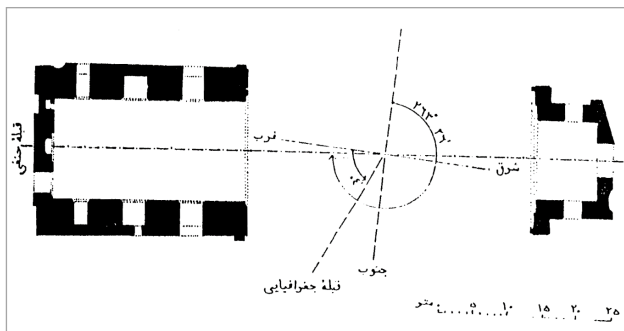


است. در نتیجه، در دوره بعدتر که در حدود ۷۰۰ ه.ق. شرایط مساعدتری بر منطقه حاکم بود، این بنا مجدد بازسازی و تعمیر شد و احتمالاً کتیبه پیشانی بازسازی و تعمیرات عمده دوره مغول بدان بعداً افزوده شده باشد. به علاوه، تردید مصطفوی مبنی بر مکان نامناسب ورودی سرداب در زیر محراب نیز مکمل این بحث است که تکمیل و تغییرات عمده و احتمالاً افزوده شدن سرداب در دوره ایلیخان صورت گرفته باشد. در نهایت، اگر بازه زمانی ۵۷۰-۵۴۰ ه.ق. به عنوان تاریخ اولیه ساخت بنا صحیح باشد، بی ارتباط با تاریخ گنبد سرخ مراغه (۵۴۲ ه.ق.) نیست که به لحاظ شکلی بسیار نزدیک به این بنا است^۶ (تصاویر ۶-۴).

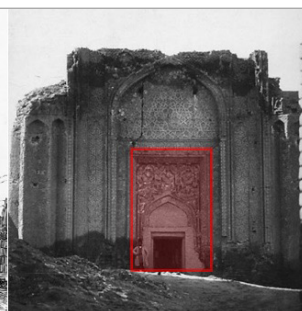
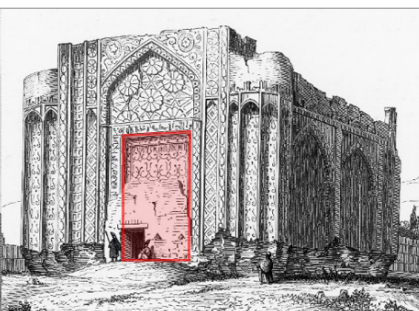
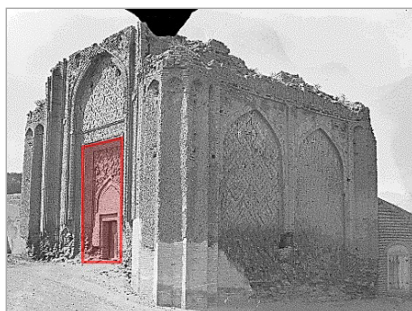
مسجد جامع ارومیه (۶۷۶)

این مسجد، شامل یک شبستان گنبددار مربع است که در طرفین آن نمازخانه‌های طاق دار ساخته‌اند (تصویر ۷). بر دیوار جنوبی اتاق گنبد، محراب بزرگ گچی که تاریخ آن ۶۷۶ ه.ق. است، وجود دارد. بر اساس مشاهدات ویلبر، از شکاف‌های محراب گنبدخانه، قسمت‌هایی از محراب گچی قدیمی تری دیده می‌شوند و وی احتمال داده است که این محراب و گنبدخانه، متعلق به دوره سلجوقیان باشد. او معتقد است در آن زمان، مسجد شامل شبستان مربع گنبددار بود

(مشکوتی، ۱۳۴۹: ۳۰۰). هرتسفلد، تاریخ این بقعه را در سال‌های ۷۰۹ تا ۷۱۶ ه.ق. می‌داند. ویلبر معتقد است که احتمالاً این بنا را در سال ۷۱۵ ه.ق. ساخته‌اند (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۶۴). طبق نظر پوپ، محراب گنبد علویان احتمالاً در حمله مغول کاملاً ویران شد و خود بنا نیز به محل قتل عام خونینی بدل شده است (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۵۲۳). رضا نظری ارشد با بررسی ویژگی‌های تاریخی، معماری و باستان‌شناختی این بنا و مقایسه با بناهای مشابه، اذعان دارد که گنبد علویان در اواخر دوره سلجوقی و در حدود ۵۴۰ تا ۵۷۰ ه.ق. قمری احداث و در همان زمان تزئین شده است (نظری ارشد، ۱۳۹۱: ۲۰۰-۱۶۷). از نکات قابل توجه در این بنا می‌توان به کتیبه پیشانی دور نمای بیرونی بنا و مدخل سرداب که در میانه محراب و در جایی نامناسب است اشاره کرد. کتیبه مذکور که بخش عمده آن از بین رفته، آیات ۱ الی ۹ سوره انسان (دهر)^۵ است. از تردید ویلبر و اطمینان نظری ارشد در رابطه با تاریخ حدودی ۵۷۰-۵۴۰ ه.ق. این بنا و همچنین ارتباط بین کتیبه (اشاره به امامان شیعه) با نام علویان گنبد که وجه مشترک دارند، می‌توان این نتیجه را گرفت که احتمالاً این بنا پیش از حمله مغول ساخته و تکمیل شده؛ ولیکن در سیر حملات مغول، تخریب و تغییراتی در این بنا صورت گرفته‌اند. پوپ نیز به این تخریب عمده در جریان حملات مغول معتقد



تصویر ۱. محراب مکشوفه کنار ایوان جنوبی مدرسه (مسجد) ملک زوزن (نگارندگان) تصویر ۲. بخشی از تزئینات ایوان جنوبی (نگارندگان) تصویر ۳. پلان بقایای ملک زوزن (گدار، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۸۸)



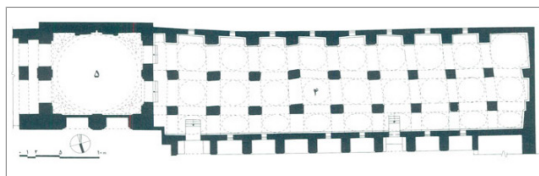
تصویر ۴. گنبد علویان: از هرتسفلد (Herzfeld, 1941) تصویر ۵. از کوست (Le Bon, 1884: Fig. 317) تصویر ۶. از سورگین (Sevruguin, 1910)

که سه طرف آن در ورودی داشت. محراب گچی دارای تاریخ، قدیمی‌ترین نمونه نوعی محراب است که بعد از حمله مغول رواج یافت (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۲۳). در دوره‌های بعد، شبستان جبهه جنوب غربی به گنبدخانه افزوده شده و در سال ۱۱۸۴ ه.ق. حجره‌های اطراف صحن احداث شده‌اند (دهقان، ۱۳۴۸: ۲۰۸). بر این اساس طبق شواهد، اولین محلی که در تحولات بعد از دوره مغول شروع به بازسازی و اصلاح کرد، مسجد جامع ارومیه بود. این مکان که گنبدخانه و هسته اولیه آن به تاریخی پیش از تاریخ مکتوب بر روی محراب آن تعلق دارد، نمونه بارز و شاخصی از اصلاح تحولات و تخریب‌هایی است که بر سر بناهای ایران در قرون هفتم و هشتم ه.ق. آمده‌اند. ایجاد محرابی بر روی محراب دیگر در گنبدخانه‌ای قدیمی، اولین مرحله از نوسازی خرابی‌هایی است که در جریان ورود مغولان به ایران صورت گرفته‌اند. در نتیجه، به نظر می‌رسد سیر اصلاحات خرابی‌های صورت گرفته، به صورت مرحله‌ای بوده و از مرمت محراب‌ها آغاز شده و به تعمیر کالبدی‌های عظیم‌تر بناها توسعه یافته است.

که سه طرف آن در ورودی داشت. محراب گچی دارای تاریخ، قدیمی‌ترین نمونه نوعی محراب است که بعد از حمله مغول رواج یافت (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۲۳). در دوره‌های بعد، شبستان جبهه جنوب غربی به گنبدخانه افزوده شده و در سال ۱۱۸۴ ه.ق. حجره‌های اطراف صحن احداث شده‌اند (دهقان، ۱۳۴۸: ۲۰۸). بر این اساس طبق شواهد، اولین محلی که در تحولات بعد از دوره مغول شروع به بازسازی و اصلاح کرد، مسجد جامع ارومیه بود. این مکان که گنبدخانه و هسته اولیه آن به تاریخی پیش از تاریخ مکتوب بر روی محراب آن تعلق دارد، نمونه بارز و شاخصی از اصلاح تحولات و تخریب‌هایی است که بر سر بناهای ایران در قرون هفتم و هشتم ه.ق. آمده‌اند. ایجاد محرابی بر روی محراب دیگر در گنبدخانه‌ای قدیمی، اولین مرحله از نوسازی خرابی‌هایی است که در جریان ورود مغولان به ایران صورت گرفته‌اند. در نتیجه، به نظر می‌رسد سیر اصلاحات خرابی‌های صورت گرفته، به صورت مرحله‌ای بوده و از مرمت محراب‌ها آغاز شده و به تعمیر کالبدی‌های عظیم‌تر بناها توسعه یافته است.

مقبره پیربکران (۶۹۸ و ۷۰۳ و ۷۱۲)

دهکده پیربکران در ۱۵ کیلومتری جنوب شرقی فلاورجان قرار گرفته و قبرستان قدیمی یهودیان اصفهان نیز در همین محل است. بنا به روایتی، قبر استر از زیارتگاه‌های مشهور یهودیان اصفهان در این قبرستان است (هنرفر، ۱۳۸۶: ۴۶). هر تسفلد، این بنا را مربوط به ملکه "سوزان" می‌داند. گدار از قول وی نوشته است که؛ ... این بنا هنوز هم به استر خاتون به همان نامی که در همدان گفته می‌شود شهرت دارد. در کف بنا قطعه سنگ بزرگی را نشان دادند که اثر پای اسبی بر آن بود و گویا الیاس پیامبر از این محل به جنت رفته است (تصویر ۸). احتمالاً این تخته سنگ را اصلاً برای جایگزین شدن تخته سنگ معبد بیت المقدس در نظر گرفته بودند، ولی صوفی مذکور این معبد یهودی را غصب کرده است (گدار، ۱۳۸۷، ج ۴: ۲۱۷). قبل از دوره ایلخانی در این محل، یک شبستان گنبددار وجود داشت که احتمال می‌رود قبر یکی از شخصیت‌های برجسته محلی بوده است (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۳۲). سؤالاتی در یکپارچگی و فرم کلی این بنا وجود دارند که از بررسی‌های صورت گرفته، پاسخ روشنی به دست نمی‌آید و هر محقق از منظر خود، نگاه کلی به وضع این بنا و توضیح درباره کلیت آن ارائه کرده است. هیلن براند نیز تزئینات این بنا را از آثاری که در سبک معماری ایلخانی ساخته شده باشند نمی‌داند؛ بناهایی چون پیربکران در حاشیه‌آرایی و یا در تزئینات خاص خود هم‌سبک دوره ایلخانی نیستند



تصویر ۷. نقشه مسجد جامع ارومیه (رضائیه) (حاجی قاسمی و همکاران، ۱۳۸۳، ج ۷: ۴۴)



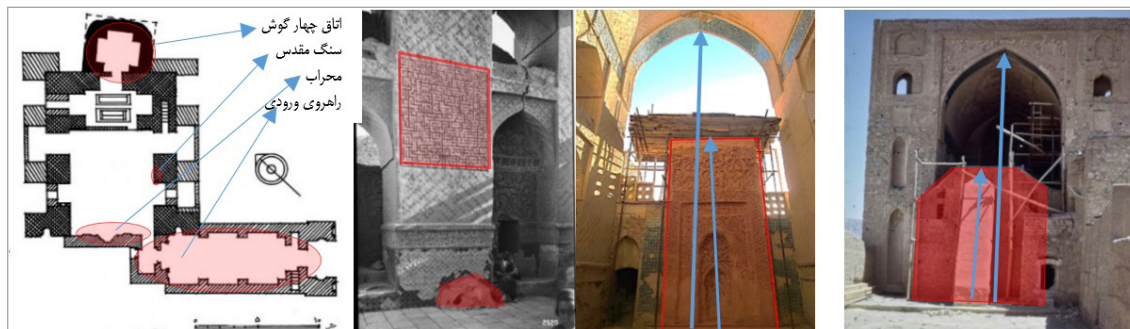
تصویر ۸. سنگ مقدس، جای پای اسب حضرت الیاس و حک کلمه لا اله الا الله (نگارندگان)

مجاورت آن بوده که اکنون از بین رفته‌اند (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۳۲ و ۱۳۳). همگی این عوامل در مجموع اشاره بدان دارند که این ایوان و اجزای آن در جایی که قبلاً اجزا و ابنیه دیگری وجود داشته‌اند بنا شده است و شاید مکمل بناهای دیگری بوده و یا در جهت تکمیل بنایی که امروز شاید فقط اتاق گنبدداری از آن باقی مانده، ایجاد شده است. آنچه امروزه مشخص نیست، اصرار سازندگان بنا بر ایجاد ایوان در چنین وضعیتی است که در جهت پیوند اتاق گنبددار، سنگ مقدس و ایوان با ورودی و محراب با یکدیگر است. یادگارنوشته‌های متعدد این بنا نیز موضوع مهم دیگری است. در بین این یادگارنوشته‌های متعدد، نام برخی از بزرگان مغول به چشم می‌خورد و همچنین، تعداد زیادی از این یادگارنویسی‌ها به خط عبری حک شده‌اند (تصاویر ۱۳ و ۱۴). البته علت یادگارنویسی‌های عبری به‌درستی مشخص نیست، ولی احتمال وجود مقبره استرخاتون^۷ که برای یهودیان حائز اهمیت است، ممکن است این افراد را به این محل کشانده باشد. به‌علاوه، وجود سنگ مقدس و تغییر نکردن آن تا به روزگاران امروز نیز بی‌تأثیر بر حضور یهودیان در این مقبره نیست.

مسجد جامع اشترجان (۷۱۵)

مسجد جامع اشترجان در ۳۳ کیلومتری جنوب غربی اصفهان، در سال ۷۱۵ حسابدار حکومت ایلخانی برای زادگاه خود ساخت (بلر و بلوم، ۱۳۸۵: ۲۴). ابن بطوطه این بنا را در ۷۲۷ هجری قمری دیده و از آن به‌عنوان مسجدی زیبا که آبی از وسط آن می‌گذرد، یاد کرده است. جویی که ابن بطوطه بدان اشاره کرده است، در حال حاضر در خارج مسجد و در مقابل سردر شمالی آن جریان دارد (لاله، ۱۳۸۰: ۲۱). مناره‌های مسجد جامع اشترجان، مانند منارجنبان (آرامگاه عمو عبدالله) که در سال ۷۱۶ بنا شده است، متحرک هستند

که امروزه تنها یک‌سوم آنها پابرجا است (نیکزاد امیرحسینی، ۱۳۳۵: ۱۹۷) به‌هنگام تعمیر بنا در ۱۳۳۳ شمسی، کتیبه‌ای آجری به سبک کتیبه‌های دوره سلجوقی در زیر تزئینات ایلخانی نمای خارجی سردر شمالی آشکار شد (هنرفر، ۱۳۵۰: ۲۷۸). ویلبر معتقد است در بدو امر اتاق گنبد به‌عنوان یک ساختمان مستقل که چهار سمت آن سردر داشت، ساخته شد و سپس تصمیم گرفته شد که عناصر اضافی دیگری ساخته شوند. او نیز احتمال می‌دهد سردر شمالی به علت وجود ساختمان قدیم‌تری که ممکن است یک مسجد قدیمی بوده، ایجاد شده و معتقد است که در تزئینات این بنا دقت کافی مد نظر نبوده و بیشتر متکی بر سرعت بوده است (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۵۴). بعد از مرمت و کشف کتیبه (تصویر ۱۵) در سال ۱۳۳۳ در اینکه هسته اولیه این مسجد و سردر شمالی آن مربوط به دوره سلجوقی است، شکی باقی نماند. از طرف دیگر، آنچه امروزه دیگر مشاهده نمی‌شود، رودی است که از وسط این مسجد طبق گفته ابن بطوطه عبور می‌کرده است و اکنون در بخش شمالی مسجد قرار دارد. ممکن است حدسی که ویلبر مبنی بر احتمال وجود مسجدی قدیمی در شمال مسجد زده است (تصویر ۱۶) با گفته ابن بطوطه منطبق باشد و ایوان شمالی در ارتباط با مسجدی بوده که از وسط آن آبی می‌گذشته است. در سردر شمالی، صلوات کبیره دوازده امام (تصویر ۱۷) و اسامی خلفای اربعه (تصویر ۱۸) به وضوح دیده می‌شوند. به‌علاوه، در طاق ایوان شمالی به‌طور مکرر، بر تزئینات جرزهای داخلی ایوان، کلمات الله، محمد، علی، ابوبکر و عمر به‌طور پراکنده به چشم می‌خورند که همگی این موارد نشان از تسامح میان شیعیان و سنیان و به‌عبارت‌دیگر، تسنن دوازده‌امامی^۸ در اوایل قرن هشتم ه.ق. دارد.



تصویر ۹. مقابل ایوان و پشت محراب (Golombek, 1974) تصویر ۱۰. زیر ایوان و روبروی محراب (عدم تقارن و ناهمگونی موقعیت قرارگیری محراب در راستای محور ایوان به‌وضوح مشخص است) (نگارندگان) تصویر ۱۱. کتیبه صلوات کبیره و در زیر آن سنگ مقدس در زیر ایوان مقبره در سال ۱۳۰۲ (Herzfeld, 1941) تصویر ۱۲. نقشه ترسیم از دونالد ویلبر که دوره‌بندی‌های مختلفی برای بنا قائل شده است (ویلبر، ۱۳۶۵: نقشه ش. ۲۰)

مسجد جامع مرنند (۷۳۱)

این مسجد، ساختمانی است کاملاً محصور با نقشه مستطیلی که نه صحن دارد و نه ایوان ورودی. سردر نمازخانه زمستانی، قاب سنگی دارد که روی آن این کتیبه نوشته شده است؛ «تعمیر این بنا به امر امیر بزرگ خواجه حسین بن سیف‌الدین محمود بن تاج خواجه در آخر شوال سال هفتصد و چهل به عمل آمد» (دیباج، ۱۳۴۶: ۹۵). بعضی معتقد هستند که این بنا در اصل کلیسایی بوده که در زمان مغول به مسجد تبدیل شده است (سلماسی‌زاده، ۱۳۵۴؛ زنوزی، ۱۳۵۸؛ جلالی عزیزیان، ۱۳۷۸؛ ویلبر، ۱۳۶۵). گنبدخانه بنا قدیمی‌ترین بخش با سردر در سه سمت است که در دوره سلجوقیان ساخته‌اند و در دوره مغولان، آن را تعمیر و تزئین کرده و طاق‌هایی در شمال و شرق و غرب آن احداث کرده‌اند. در

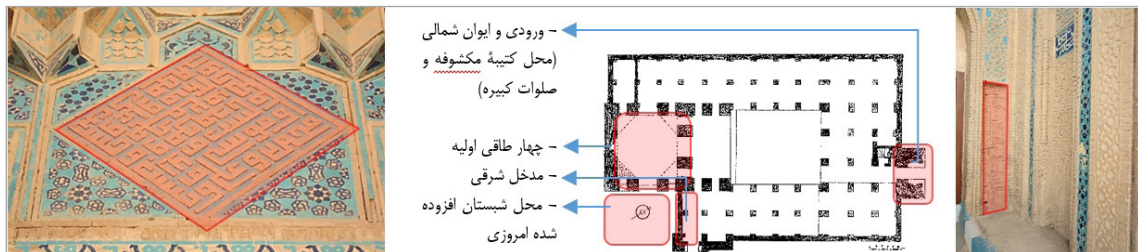


تصاویر ۱۳ و ۱۴. نمونه‌هایی از یادگار نوشت‌های داخل اتاق گنبددار پیربکران به اشکال مختلف و نیز به خط عبری (نگارندگان)

از منته‌الآخر، دیوارهای ساختمان به سمت مشرق بسط داده شده و یک نمازخانه مستطیلی به آنها اضافه شد. در گوشه شمال غربی ساختمان، پایه هشت گوش مناره‌ای است که ممکن است هم‌زمان با اتاق گنبد باشد (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۸۵). گنبد بالای محراب فروریخته بوده است که بعداً آن را با تیر پوشانده‌اند. در پا طاق این گنبد، آثار حاشیه گچ‌بری دیده می‌شوند که قسمت عمده این حاشیه از بین رفته است. بر طبق کتیبه مذکور، وضع اولیه مسجد به کلی تغییر یافته و می‌توان گفت از ساختمان اصلی به جز محراب، اثر دیگری باقی نمانده است (دیباج، ۱۳۴۶: ۹۴ و ۹۵).

جمع‌بندی

به غیر از شش نمونه یادشده، مصادیق متعدد دیگری نیز وجود دارند که حاکی از تغییرات مکرر بنا تحت تأثیر دگرگونی‌های اعتقادی سده‌های ۷ و ۸ ه.ق. هستند. تحولات صورت گرفته بر ابنیه دینی - مذهبی در طول قرون متمادی به حدی زیاد بوده‌اند که امروزه به سختی ردی از هسته اصلی و کاربری اولیه آنان مشاهده می‌شود. گزارش‌های تاریخی، از ساخت و وجود بناهای دینی متعددی حکایت می‌کنند که در خوی و مراغه (ویلبر، ۱۳۶۵: ۲۰۵) و نیز مراکز نزدیک به آنان در منطقه آذربایجان نظیر میانه و سراب وجود داشته‌اند. با توجه به شواهد بسیار اندک موجود، به نظر می‌رسد مساجدی چون؛ جامع سراب، جامع اسنق، جامع مرنند، جامع میانه و جامع ارومیه در آن ناحیه از این دست بناها باشند که



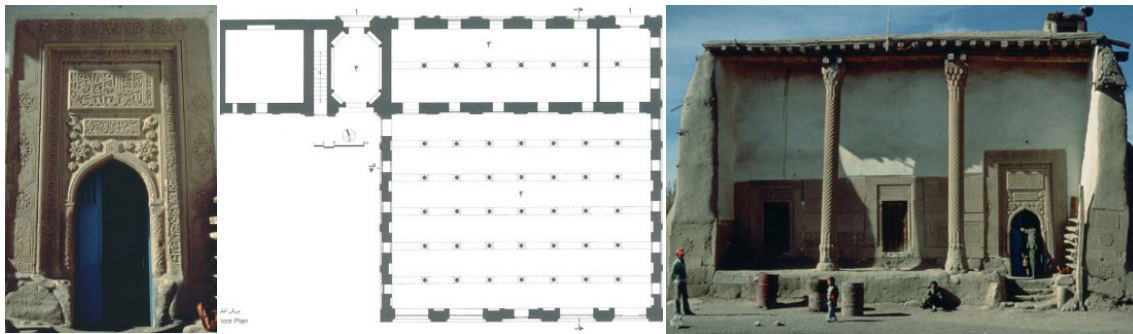
تصویر ۱۵. کتیبه مکشوفه در زیر تزئینات ایوان شمالی مسجد جامع اشترخان (نگارندگان) تصویر ۱۶. نقشه ترسیمی (ویلبر، ۱۳۶۵: نقشه ش. ۲۶) تصویر ۱۷. صلوات کبیره دوازده امام در وسط ایوان ورودی شمالی (نگارندگان)



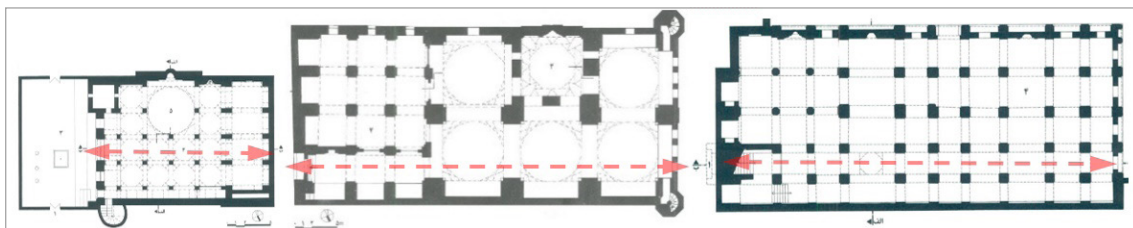
تصویر ۱۸. کتیبه اسامی خلفای اربعه با متن: محمد و ابوبکر و عمر و عثمان و علی رضوان الله علیهم اجمعین در ایوان مسجد جامع اشترخان (نگارندگان)

از طرفی، مسجد جامع اشترجان نمونه‌ای از این دست است که با کشف کتیبه پنهان شده در سردر شمالی این بنا، مبدأ تاریخی اثر نیز مورد تردید قرار گرفت. بر طبق شواهد به نظر می‌رسد این مسجد یا در امتداد بنایی دیگر که امروزه ردی از آن نیست قرار داشته و یا بر بنایی با هسته‌ای کهن‌تر ساخته شده است. وجه تشابه این بنا با مقبره پیربکران علاوه بر فرم و فضا در شکل جدید آنها، در دو نکته است؛ اول آنکه بدیهی است هر دو بنا بر هسته و ساختار کهن‌تر شکل یافته‌اند (با توجه به تخته‌سنگ مقدس موجود در ایوان؛ بنای چهارگوش موجود در بخش شمالی مقبره پیربکران و نیز کتیبه زیر تزئینات ایوان شمالی مدخل ورودی مسجد جامع اشترجان)، دوم، وجود کتیبه صلوات کبیره دوازده امام شیعیان هم در داخل ایوان مقبره پیربکران و هم بر مدخل شمالی مسجد اشترجان. لازم به ذکر است که در مدخل مسجد جامع اشترجان علاوه بر اسامی دوازده امام، اسامی خلفای اربعه نیز آمده‌اند که این تأکیدی بر تسامح سنی و شیعه^{۱۲} در ربع اول قرن ۸ ه.ق. است. در جدول ۲، برخی از مهم‌ترین شواهد نشان‌دهنده تغییرات بناها و هم‌زمانی آنان با تغییرات دینی یا مذهبی ارائه شده‌اند.

در همان دوره از تخریب یکپارچه جان سالم به در برده و تبدیل به مسجد شده‌اند. لازم به ذکر است کلیساهای آرامنه با سبک خاص معماری که دارند، به راحتی از سایر فرق مذهبی قابل شناسایی هستند. این کلیساها بلااستثنا در جهت شرقی- غربی ساخته می‌شوند (محمدزاده، ۱۳۹۱: ۲۳۹). مسجد جامع مرنده به همراه مساجد سنگی ترک میانه، مسجد جامع اسنق و احتمالاً جامع سراب و ملارستم مراغه^{۱۳}، جز مساجدی محسوب می‌شوند که با نقشه مستطیلی در امتداد شرقی- غربی (و نه کشیدگی به سمت جنوب و قبله) ایجاد شده‌اند (تصاویر ۲۴-۱۹). همان‌طور که در بالا ذکر آن رفت، محققین متعددی معتقد هستند مسجد جامع مرنده در اصل کلیسایی بوده که در زمان مغول به مسجد تبدیل شده است (سلماسی‌زاده، ۱۳۵۴؛ زنوزی، ۱۳۵۸؛ جلالی عزیزیان، ۱۳۷۸؛ ویلبر ۱۳۶۵). با توجه به زمینه مشترک سرزمینی مابین کلیساهای متعددی که در این دوره تاریخی در مراغه ساخته شده‌اند^{۱۴} و نیز گزارش‌های شفاهی موجود در این رابطه، احتمال دارد بناهای مورد نظر قدمت بیشتری داشته و بنای اولیه آنها به مسجد تغییر یافته باشد. علاوه بر قرارگیری هر سه مسجد در یک ناحیه تقریباً مشترک، با توجه آنچه گذشت این احتمال می‌رود که سلسله‌ای از وقایع مشابه^{۱۵} برای این مساجد در یک برهه زمانی روی داده باشد.



تصاویر ۱۹ و ۲۰. ایوان اصلی و وسط درگاه ورودی مسجد جامع اسنق (Blair & Bloom, 1984) تصویر ۲۱. نقشه مسجد ملارستم مراغه (حاجی‌قاسمی و همکاران، ۱۳۸۳، ج ۶: ۲۱۶)



تصویر ۲۲. نقشه مسجد سنگی ترک میانه (حاجی‌قاسمی و همکاران، ۱۳۸۳، ج ۶: ۲۳۲) تصویر ۲۳. مسجد جامع مرنده (حاجی‌قاسمی و همکاران، ۱۳۸۳، ج ۸: ۱۰۲) تصویر ۲۴. مسجد جامع سراب (حاجی‌قاسمی و همکاران، ۱۳۸۳، ج ۷: ۱۷۲)

جدول ۲. شواهد نشان‌دهنده تغییرات بناها و چگونگی ارتباط تغییرات با دین یا مذهب

نام بنا	شواهد نشان‌دهنده تغییرات	چگونگی ارتباط تغییرات با دین / مذهب
مدرسه ملک زوزن (۶۱۶)	۱. کشف ستون‌هایی در فضای ایوان اصلی ۲. کشف محراب گچ‌بری سلجوقی	ساخته‌شده بر روی مسجدی که موجود نیست.
	۱. وجود نام خلفای اربعه ۲. استفاده از کتیبه با مفهوم تسلط سنی‌ها بر شیعیان (پیروزی افراد باایمان در ایوان جنوبی) ۳. جهت‌گیری ایوان اصلی به سمت غرب و نه قبله	احتمالاً نزاع بین مذاهب مختلف بر تخریب بنا بی‌تأثیر نبوده است.
گنبد علویان همدان (حدود ۷۱۵/۶۴۰)	۱. کتیبه‌ی پیشانی بنا سوره‌ی دهر (انسان) آیه ۱ الی ۹ مرتبط با حسنین (ع)، پیشینه قدمت بنا را به دوره تسلط شیعیان بر این ناحیه برمی‌گرداند. ۲. شباهت با گنبد سرخ مراغه احتمالاً بنا مربوط به نیمه دوم قرن ششم ۳. مدخل سرداب در میانه محراب و در جایی نامناسب است. ۴. قتل‌عام گسترده در این مکان طبق متون تاریخ جهانگشا و جامع‌التواریخ صورت گرفته است که نشان از تحولات آن دارد.	بنا در چندین مرحله دچار تغییراتی در تزئینات و ساختار شده است.
مسجد جامع ارومیه (۶۷۶)	۱. شبستان مربع گنبددار که از سه طرف ورودی داشت ۲. محراب گچی قدیمی‌تر در پشت محراب دیده می‌شود. ۳. افزوده شدن شبستان جبهه جنوب غربی به گنبدخانه	مسجد امروزی در تجدید بنای مذهبی کهن‌تر ایجاد شده است.
مقبره پیربکران (۷۰۳/۶۹۸)	۱. وجود سنگ مقدس (جای پای اسب حضرت الیاس) بدون حفظ حریم و بدون تغییر ۲. اتاق گنبددار- شبستان گنبددار ۳. یادگار نویسی‌های عبری	احتمالاً بنای موجود در بنایی مذهبی متعلق به یهودیان افزوده شده است.
	۱. وجود صلوات کبیره دوازده امام بر بالای سنگ مقدس یهودیان ۲. افزوده شدن ایوان به مجموعه کهن ۳. عدم روابط صحیح فضایی در مدخل ورودی ایوان (الحاق مدخل ورودی) ۴. عدم انطباق محور و محل قرارگیری محراب (الحاق محراب)	بنای قبلی به بنای متعلق به دین اسلام تغییر پیدا کرده ولی این تغییرات بر هسته قبلی استوار بوده‌اند.
مسجد جامع اشترجان (۷۱۵)	۱. اشاره ابن بطوطه به مسجدی زیبا که آبی از وسط آن می‌گذرد؛ در صورتی که این آب در قسمت شمالی و مقابل سردر شمالی است، جایی که حدس بر وجود بنایی قدیم‌تر است که ایوان شمالی نسبت به آن شکل گرفته است. ۲. کشف کتیبه سلجوقی کشف‌شده سردر شمالی. ۳. وجود مربع‌های کوچک تزئینی با عبارات الله، محمد، ابوبکر، عمر و علی؛ به‌طور پراکنده احتمال می‌رود بنا پیش‌تر با تزئینات اسامی خلفای اهل سنت تزئین شده (احتمالاً بنای سلجوقی) و سپس در حدود ۷۱۶ ه.ق. صلوات کبیره افزوده شده است.	بنای امروزی در ارتباط با مسجدی کهن‌تر ساخته شده است و بعداً با افزوده شدن چند مرحله تزئینات، حکایت از رابطه جدید پیروان شیعه و سنی دارد.
مسجد جامع مرند (۷۲۱)	۱. کلمه «تعمیر» در متن کتیبه و نه ساخت که اشاره به تغییر مستقیم بنا دارد. ۲. تحولات و ملحقات اضافی شکل نقشه ۳. گنبدخانه مربع‌شکل سلجوقی (احتمالاً متعلق به مسجد) ۴. افزودن طاق در سمت شمال و شرق و غرب گنبدخانه در دوره مغول	بنا در چندین مرحله تحت تأثیر تغییر ادیان و مذاهب قرار گرفته است.

(نگارندگان)

نتیجه‌گیری

نتایج مطالعات نشان می‌دهند بین رویدادهای قرون هفتم و هشتم ه.ق. و تغییرات رخ داده در بناهای این بازه زمانی، هم‌نوایی دیده می‌شود؛ چنانچه به لحاظ زمانی، تحولات اعتقادی حکام ایلخانی در برابر بازه زمانی تغییرات کالبدی شش بنای منتخب از این دوره قرار داده شوند، نتایج حاصله در **تصویر ۲۵** قابل پیگیری هستند. نتیجه بررسی‌ها نشان می‌دهد که حکام وقت بنا به تغییراتی که در نظام اعتقادی آنها پدید می‌آمده، دستوراتی مبنی بر احداث و یا تغییر بناهای مذهبی موجود صادر می‌کردند. در مقابل، بررسی‌های میدانی بر بناهای به‌جامانده از دوره ایلخانی نیز نشان می‌دهند بسیاری از این بناها با چنان تغییراتی مواجه بودند که نه تنها فاقد



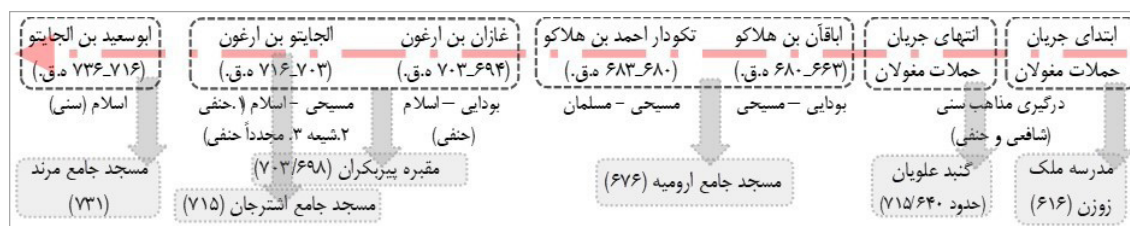
انسجام فضایی به نظر می‌رسند، بلکه کاربری اولیه این بناها نیز از سوی پژوهشگران مختلف قابل تشخیص نبوده است.

هم‌زمانی دگرگونی در ساختار دینی حکومت‌ها و تغییر در سازمان فضایی برخی از بناهای مذهبی موجود در این دوره شایان توجه است. دامنه این تغییرات، از تخریب بناهای موجود تا جایگزین شدن بنای جدید در جای بنای اولیه را در بر می‌گیرد (نظیر مسجد جامع مرند). در مواردی که تغییر در نظام اعتقادی حکومت‌ها در محدوده تغییر مذهب بوده است، می‌توان تغییر در تزئینات، نقوش و کتیبه‌های به‌کاررفته در بناهای مذهبی این دوره را به‌وفور مشاهده کرد (نظیر مسجد جامع اشترجان، پیربکران و گنبد سلطانیه^{۱۳}).

تطابق رویدادهای تاریخی و چگونگی تغییرات کالبدی پدیدآمده در این دوران را می‌توان به این نحو تشریح نمود؛ از سده پنجم ه.ق. رقابت میان قدرتمندان سنی مذهب به اوج خود رسید. سلاطین حنفی مذهب سلجوقی در رقابت با قدرتمندان شافعی مذهب دیگر همچون خواجه نظام‌الملک طوسی که به تأسیس مدارس نظامیه برای شافعیان پرداخته بود، به ساخت مساجد و مدارس خاص حنفیان دست زدند. در نتیجه، معماری بناهای مذهبی در حدود قرون ۵ و ۶ ه.ق. تحت تأثیر درگیری‌های مذاهب مختلف سنی اعم از شافعی و حنفی، دچار تحولات متعددی شامل تخریب‌ها و یا تغییرات شد. امتداد این درگیری‌ها سبب شد هنگام حملات مغول، مدارس و مساجد دارای گرایش مذهبی خاص همچون مدرسه حنفی ملک زوزن، جزء اولین بناهایی باشند که به دست مخالفان تخریب می‌شوند. با روی کار آمدن عوامل خارجی، شالوده درگیری‌های

مذاهب از بین رفت و به درگیری ادیان تغییر شکل پیدا کرد. بعد از استقرار مغولان و ترویج ادیان متضاد با بستر اصلی جامعه (شمنی و بودایی)، دین رایج بستر از بین رفت و معابدی با گرایش‌های دینی متفاوت (نظیر معبد داش کسن) احداث شدند.

تخریب و تغییر بناهای مذهبی توسط مذاهب سنی که پیش‌تر رایج بودند، در نیمه دوم قرن هفتم ه.ق. به تغییرات و تحولات بناهای دینی انجامید و بناهای متعددی از ادیان یهودی و مسیحی در این برهه زمانی ایجاد شده، تغییر یافته و یا تخریب شدند (همچون موارد متعدد ذکر شده در **جدول ۱**). در نهایت، آنچه در بناهای این دو قرن مشاهده شد، نتیجه رویدادهای قرن هفتم بود که نیاز به وحدت بین مذاهب (شیعه و سنی) در اوایل قرن هشتم ه.ق. را در مقابل عدم اتحاد فرق مذاهب سنی (شافعی و حنفی) در قرون ۶ و ۷ ه.ق. سبب شده بود. در انتهای قرن هفتم ه.ق. با شناخت بستر اصلی جامعه توسط حکام وقت و گرویدن آنان به دین اسلام، معماری در مسیر اعتلای خود قرار گرفت و کیفیت در ساخت‌وساز مهم شد. با پایان یافتن نزاع ادیان و مذاهب و بازگشت دین اسلام به‌عنوان دین رسمی به گستره ایران، ساخت بناهای مذهبی مجدداً گسترش یافته و همچنین در سایر بناهای دینی ساخته‌شده و یا تغییر یافته در نیمه آخر قرن حکومت آنها تحولات بنیادی ایجاد شدند. در بناهایی چون مقبره پیربکران، مسامحه میان شیعیان و یهودیان و در مسجد جامع اشترجان، مسامحه میان شیعیان و سنیان به‌طور بارزی تجلی یافته است. این تسامح، نتیجه حضور عامل خارجی و رویدادهایی است که بعد از آن رقم خوردند (**تصویر ۲۶**).



تصویر ۲۵. تطبیق رویدادها و دوره‌های حکومت ایلخانان با تاریخ تغییرات شناسایی شده در شش بنای مورد بررسی



تصویر ۲۶. تأثیر رویدادها و اعتقادات حکام قرون ۷ و ۸ ه.ق. بر معماری دینی - مذهبی (نگارندگان)

پی‌نوشت

- منظور از زیست‌جهان مادی، رابطه مردم با شیوه و سبک زندگی، نظام شهرنشینی، تقسیم گروه‌ها و طبقات جامعه و پیشه‌ها، گروه‌های خاص و عام و معماری است.
- به‌عنوان مثال، می‌توان به درگیری‌های ری و اصفهان و همدان در حملات سرداران مغول یعنی سپتای بهادر و جبه نویان اشاره نمود.
- در این زمینه، می‌توان به پژوهش‌هایی چون؛ "سلطان محمد خدابنده، علامه حلی و رواج تشیع در ایران" (جعفریان، ۱۳۷۵)، "نقش شیعیان در سقوط عباسیان" (جعفریان، ۱۳۶۸)، "حکم فتح راه حجاز به انشای عطاملک جوینی" (جعفریان، ۱۳۷۵ الف)، "نقش خواجه طوسی در سقوط بغداد" (جعفریان، ۱۳۸۹) و مقاله "اتهام فراخوانی مغولان" (جعفری‌مذهب، ۱۳۷۳) اشاره کرد که زمینه‌های همکاری شیعیان با مغولان را واکاوی کرده‌اند.
- جعفریان در پژوهش‌های؛ "سلطان محمد خدابنده، علامه حلی و رواج تشیع در ایران" (۱۳۷۵ الف)، "نقش شیعیان در سقوط عباسیان" (۱۳۶۸)، "حکم فتح راه حجاز به انشای عطاملک جوینی" (۱۳۷۵ الف)، "نقش خواجه طوسی در سقوط بغداد" (۱۳۸۹) و جعفری‌مذهب در مقاله "اتهام فراخوانی مغولان" (۱۳۷۳)، احتمال همکاری شیعیان با مغولان را مورد بررسی قرار داده‌اند.
- درباره ارتباط آیات ۹-۱ سوره دهر با حسنین (ع) در "تفسیر نمونه"، رجوع شود به: مکارم‌شیرازی و همکاران، ۱۳۶۸، ج ۲۵: ۳۴۴.
- علاوه بر این، گنبد علویان از نظر تزئینات بیرونی و نمای ورودی و تقسیم‌بندی فضای مدخل به قسمت‌های مختلف، با بناهایی از قبیل؛ برج‌های خرقان (۴۸۶-۴۶۰ ه.ق.)، مقبره یوسف بن خطیر (۵۵۷ ه.ق.)، برج مدور مراغه (۵۶۳ ه.ق.)، سه گنبد ارومیه (۵۸۰ ه.ق.) و مقبره مؤمنه خاتون در نخجوان (۵۸۲ ه.ق.) که تمامی از آثار دوره سلجوقی هستند، شبیه و قابل مقایسه است (Shani, 1996: 29-34).
- در این مقبره، سنگ‌نوشته‌ای به طول ۹۵ و عرض ۷۵ سانتی‌متر از زیر خاک‌های بر هم انباشته‌شده کنیسه در سال ۱۳۲۳-۱۳۲۲ خورشیدی به‌دست آمده و اکنون بر دیوار یکی از طاق‌نماهای داخل کنیسه نصب شده است. کتیبه این لوح سنگی به خط عبری برجسته، مشتمل بر آیاتی از توره و تاریخ تحریر و نصب آن از اوایل قرن دوم مسیحی (پنجشنبه بیست و هشتم ماه آب، سال ۳۸۹۰ از خلقت آدم) است (نیکزاد امیرحسینی، ۱۳۳۵: ۱۹۷).
- منظور از تسنن دوازده‌امامی آن است که فضای فرهنگی میان اهل سنت در سده‌های ۸ و ۹ هجری به‌جز موارد استثنایی، بر اساس این باور بود که می‌توان میان چهار خلیفه و دوازده امام جمع کرد و به همه آنها اعتقاد داشت. عنوانی که به این گرایش و جریان می‌توان داد، «تسنن دوازده‌امامی» است (جعفریان، ۱۳۷۷: ۲۵۵).
- در مسجد ملا رستم مراغه، اشاره به ستونی مرمری و سرستون آن که متمایز از سایر ستون‌های چوبی بنا است احتمالاً جزء بنایی بوده که پیش از احداث مسجد در این محل وجود داشته و باقی‌مانده از دوره ایلخانی است (مخلصی، ۱۳۷۱: ۱۸۴).
- از جمله آنان، می‌توان به کلیسای سن ژرژ و کلیسای مرشلیطه اشاره کرد (محمدزاده، ۱۳۹۱: ۲۳۸).
- غازان‌خان به تشویق و تحریک وزیر اعظم خود (امیر نوروز)، عکس‌العمل شدید علیه سیاست هلاکو و اباقان و ارغون‌خان ابراز داشت و دستور داد تمام کلیساهای مسیحیان، معابد کلیمیان و معابد بوداییان را ویران کنند. پس از درگذشت غازان‌خان، برادر کهرت او (الجاتو) در مراغه غوغای دیگری برپا نموده و اقامتگاه و کلیسای نسطوریان را دوباره غارت کرد (گروسه، ۱۳۶۵: ۶۱۹ و ۶۲۸).
- درباره تسامح شیعیان و سنیان، رجوع شود به: جعفریان، ۱۳۷۷.

۱۳. تحولاتی که بر نقوش و تزئینات گنبد سلطانیه انجام شده‌اند، به دلیل تغییر مذهب حاکم وقت (الجایتو) از تسنن به تشیع بوده است. درباره تغییر اعتقادات الجایتو و تأثیر آن بر تزئینات گنبد سلطانیه، رجوع شود به: ویلبر، ۱۳۶۵: ۲۶.

منابع و مأخذ

- آیت‌الله‌زاده شیرازی، باقر (۱۳۵۹). مسجد جامع اردستان. اثر، ۱ (۱)، ۵۶-۵۱.
- اشپولر، برتولد (۱۳۷۴). تاریخ مغول در ایران: سیاست، حکومت و فرهنگ دوره ایلخانان. ترجمه محمود میرآفتاب، چاپ پنجم، تهران: علمی و فرهنگی.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۴). تاریخ مغول از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری. چاپ نهم، تهران: امیرکبیر.
- بحرالعلوم، فرانک (۱۳۹۲). روش‌های سال‌یابی در باستان‌شناسی. چاپ ششم، تهران: سمت.
- بلر، شیلا (۱۳۸۷ الف). معماری ایلخانی در نطنز: مجموعه مزار شیخ عبدالصمد. ترجمه ولی‌الله کاوسی، چاپ اول، تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران.
- ----- (۱۳۸۷ ب). مدرسه زوزن: معماری اسلامی در شرق ایران در سحرگاه تهاجم مغول. ترجمه میثم جلالی. تاریخ‌پژوهی، (۳۶ و ۳۷)، ۱۵۱-۱۲۹.
- بلر، شیلا و بلوم، جانان‌ان ام (۱۳۸۵). هنر و معماری اسلامی. ترجمه اردشیر اشراقی، چاپ دوم، تهران: سروش.
- بیانی، شیرین (۱۳۶۷). دین و دولت در ایران عهد مغول از تشکیل حکومت منطقه‌ای مغولان تا تشکیل حکومت ایلخانی. چاپ اول، جلد ۱، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- پوپ، آرتور (۱۳۸۷). سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز. ترجمه سیروس پرهام، چاپ اول، جلد ۳، تهران: علمی و فرهنگی.
- تنهایی، زهرا؛ قنوت، عبدالرحیم و معزی، مریم (۱۳۹۱). آسیب‌شناسی آثار معماری ایران از ظهور اسلام تا قرن هفتم هجری. مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ، (۸۸)، ۸۱-۱۱۲.
- جعفریان، رسول (۱۳۶۸). نقش شیعیان در سقوط عباسیان. کیهان/اندیشه، (۵)، ۲۳-۷۷.
- ----- (۱۳۷۵ الف). حکم فتح راه حجاز به انشای عطاملک جوینی. میقات حج، (۴)، ۶۵-۷۰.
- ----- (۱۳۷۵ ب). سلطان محمد خدابنده، علامه حلی و رواج تشیع در ایران. نامه مفید، (۷)، ۱۶۹-۱۹۲.
- ----- (۱۳۷۷). تاریخ ایران اسلامی. چاپ اول، جلد ۳ (از یورش مغولان تا زوال ترکمانان)، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- ----- (۱۳۸۹). نقش خواجه طوسی در سقوط بغداد. اطلاعات حکمت و معرفت، (۶۰)، ۵۶-۶۱.
- جعفری‌مذهب، محسن (۱۳۷۳). اتهام فراخوانی مغولان. وقف میراث جاویدان، (۲)، ۷-۹۴.
- جلالی عزیزیان، حسن (۱۳۷۸). تاریخ مرند. چاپ اول، مشهد: گوهر سیاح.
- حاجی قاسمی، کامبیز و همکاران (۱۳۸۳). مساجد. چاپ اول، جلد ششم. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ----- (۱۳۸۳). مساجد جامع. چاپ اول، جلد‌های ۷ و ۸، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- دانشدوست، یعقوب (۱۳۵۹). هنر و معماری ایران در دوره تیموریان. اثر، (۱)، ۱-۹۱.
- دهقان، علی (۱۳۴۸). سرزمین زردشت (اوضاع طبیعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، تاریخی رضائیه). چاپ اول، تهران: ابن سینا.
- دیباج، اسماعیل (۱۳۴۶). آثار باستانی و ابنیه تاریخی آذربایجان. چاپ اول، تهران: شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران.
- راوندی، محمدبن سلیمان (۱۳۳۳). راحة الصدور و آیه‌السرور. تصحیح محمد اقبال، چاپ اول، تهران: امیرکبیر.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۵۳). ارزش میراث صوفیه. چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.
- زوزنی، امیر هوشنگ (۱۳۵۸). مرند. چاپ اول، تهران: بی‌نا.
- سلماسی‌زاده، جواد (۱۳۵۴). مسجد جامع مرند. وحید، (۱۷۹)، ۱۵۲-۱۵۱.
- شیخ‌الحکمایی، عمادالدین و حسنی، میرزا محمد (۱۳۹۵). نقش کتیبه‌های خوانده‌نشده مسجد سنگی داراب در شناسایی کارکرد و تاریخ ساخت بنا. پژوهش‌های علوم تاریخی، (۸)، ۸۱-۹۴.

- صالحی کاخکی، احمد؛ عزیزپور، شادابه؛ رحیمی آریایی، افروز و بانک، فاطمه (۱۳۹۳). تحلیل ساختار فضایی - کالبدی مسجد جامع اردستان با تفکیک لایه‌های تاریخی. مرمت و معماری ایران، ۸ (۴)، ۳۳-۴۶.
- فرهمند بروجنی، حمید و سلیمانی، پروین (۱۳۹۱). گونه‌شناسی تزئینات گنبد غفاریه مراغه بر اساس الگوی تطبیقی. مطالعات هنر اسلامی، ۱۶، ۸۹-۱۰۰.
- قوچانی، عبدالله و آیت‌الله‌زاده شیرازی، باقر (۱۳۶۷). بررسی کتیبه‌های تاریخی مجموعه نطنز و مسجد جامع نائین. اثر، (۲۶ و ۲۷)، ۱۴۲-۱۳۲.
- کلایس، ولفرام (۱۳۸۱). برج‌های آرامگاهی و امام‌زاده‌های شمال ایران. ترجمه فرانک بحرالعلومی. وقف میراث جاویدان، ۳۷، ۱۱۷-۱۳۰.
- گدار، آندره (۱۳۸۷). آثار ایران. ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، چاپ پنجم، جلدهای ۲ و ۴، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- گروسه، رنه (۱۳۶۵). امپراطوری صحرانوردان. ترجمه عبدالحسین میکده، چاپ اول، تهران: علمی فرهنگی.
- گنون، رنه (۱۳۹۲). سیطره کمیت و علائم آخر زمان. ترجمه علیمحمد کاردان، چاپ پنجم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- لاله، هایده (۱۳۸۰). تجلی قرآن در معماری اسلامی مسجد جامع اشترجان. علوم قرآن و حدیث: گلستان قرآن، (۷۱)، ۲۶-۲۱.
- مجتهدی، کریم (۱۳۹۵). مغولان و سرنوشت فرهنگی ایران. چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- محمدزاده، اصغر (۱۳۹۱). مراغه قدیم. چاپ اول، تهران: اوحدی.
- مخلصی، محمد علی (۱۳۷۱). فهرست بناهای تاریخی آذربایجان شرقی. چاپ اول، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- مشکوتی، نصرالله (۱۳۴۹). فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران. چاپ اول، تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.
- مصطفوی، محمدتقی (۱۳۸۱). هگمتانه: آثار تاریخی همدان و فصلی درباره ابوعلی سینا. چاپ دوم، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۶۸). تفسیر نمونه. چاپ اول، جلد ۲۵، قم: دارالکتاب اسلامی.
- مکی‌نژاد، مهدی؛ آیت‌اللهی، حبیب‌اله و هراتی، محمدمهدی (۱۳۸۸). تناسب و ترکیب در کتیبه محراب مسجد جامع تبریز. هنرهای تجسمی (هنرهای زیبا)، ۴۰، ۸۸-۸۱.
- منصور، سید امیر و آجورلو، بهرام (۱۳۸۲). بازشناسی ارک علیشاه تبریز و کاربرد اصلی آن. هنرهای زیبا، ۱۶، ۶۸-۵۷.
- مورگان، دیوید (۱۳۸۹). مغول‌ها. ترجمه عباس مخبر، چاپ اول، تهران: مرکز.
- موسی‌پور، ابراهیم (۱۳۸۶). تاریخ اجتماعی رویکردی نوین به مطالعات تاریخی. تاریخ و تمدن اسلامی، ۳ (۶)، ۱۵۶-۱۴۱.
- میر احمدی، مریم (۱۳۹۵). تاریخ تحولات ایران‌شناسی در دوران اسلامی. چاپ اول، تهران: طهوری.
- نظری ارشد، رضا (۱۳۹۱). نگاهی نو به یادمان تاریخی - معماری گنبد علویان همدان بر اساس مطالعات باستان‌شناختی. گزارش‌های باستان‌شناختی، (۸)، ۱۶۷-۲۰۰.
- نیکزاد امیرحسینی، کریم (۱۳۳۵). تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان. چاپ اول، اصفهان: داد.
- ویلبر، دونالد نیوتن (۱۳۶۵). معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان. ترجمه عبدالله فریار، چاپ دوم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۳۸). جامع‌التواریخ. به کوشش بهمن کریمی، چاپ اول، جلد ۲، تهران: اقبال.
- ----- (۱۳۷۳). جامع‌التواریخ. به کوشش محمد روشن و مصطفی موسوی، چاپ اول، جلد ۲، تهران: میراث مکتوب.
- هنرفر، لطف‌الله (۱۳۵۰). گنجینه آثار تاریخی اصفهان، آثار باستانی و الواح و کتیبه‌های تاریخی در استان اصفهان. چاپ دوم، اصفهان: ثقفی.
- ----- (۱۳۸۶). اصفهان. چاپ چهارم، تهران: علمی فرهنگی.
- هیلن‌براند، رابرت (۱۳۷۴). معماری اسلامی ایران. ترجمه فرشاد بهزاد. فصلنامه هنر، (۲۸)، ۲۴۳-۲۸۰.

- Blair, Sheila & Bloom, Jonathan (1984). Friday Mosque of Asnaq. http://archnet.org/sites/5436/media_contents/40871 (Retrieved 11 September 2021).
- Golombek, Lisa (1974). Gunbad-i Pir-i Bakran. http://archnet.org/sites/1636/media_contents/106097 (Retrieved 11 September 2021).
- Herzfeld, E. (1941). **Iran in the Ancient East: Archaeological Studies Presented in the Lowell Lectures at Boston**. London: Oxford University Press.
- Le Bon, G. (1884). **La civilisation des Arabes**. Québec: l'Université du Québec à Chicoutimi.
- Sevruguin, Antoin (1910). Gunbad-i Alaviyyan. http://archnet.org/sites/1610/media_contents/487 (Retrieved 11 September 2021).
- Shani, R. (1996). *A monumental manifestation of theshi'ite faith in Late Twelfth-century Iran-The case of the Gunbad-iAlaviyyan, Hamadan*. London: Oxford University Press.



Received: 2020/01/04

Accepted: 2020/19/13



The Impact of Ilkhanid Religious Beliefs on 7th and 8th Century A.H. Religious Buildings

Mohammad Ali Sheikholhokamaei** Shervin Mirshahzadeh***
Zahra Fanaei****

Abstract

Iranian architecture underwent many changes under the influence of the Mongol invasion and their domination over the land of Iran. These changes are especially evident in the pre-existing religious buildings. The changes that have taken place, sometimes have disturbed the spatial coherence of the building so much that the relationship between the religious background of the building and the physical characteristics of its builders seems to be quite confused. Therefore, the present study aims to explain the subject in two ways; First, by examining the historical developments in this period, the religious tendencies of the people and the rulers of the time were analyzed and the changes that have taken place in the religious buildings of this period with the change of beliefs in the Ilkhanid rulers were investigated. In the first part, the research has been conducted through a historical method, based on historical texts and documents. In the second part, six examples of the remains of buildings from the period under investigation have been examined. In this section, with the help of field studies, the changed components in the building were identified and categorized, and how these changes became clear was stated. The present study indicates that at the beginning of the 7th century AH, under the influence of the conflicts of the Shafi'i and Hanafi religions, major destruction took place in the buildings belonging to these religions. Subsequently, with the abolition of the dominant religious tendency in the central government and the spread of the belief in Shamanism and Buddhism, such temples were built. In the second half of the 7th century AH, Christian and Jewish religions became more widespread due to the will of the rulers of the time, and new religious buildings were built, and in some cases new buildings were built on the basis of previously destroyed religious buildings. Finally, in the late 7th and early 8th centuries AH clashes between various Sunni and Shia religions have subsided, and the construction of religious buildings became more common. The results of this research show that just as the religious tendencies of the Ilkhanid rulers changed many times during this period, religious buildings have also undergone many changes, both in the spatial organization and in the decorations and motifs.

Keywords: The religious beliefs of the Ilkhanid, Changes in buildings, Mosques and mausoleums, Iranian Architecture, 7th and 8th centuries AH

* This article is taken from the Ph.D. thesis of Mohammad Ali Sheikholhokamaei entitled "Recognizing the factors affecting ambiguity in dating of the Iranian religious architecture in the seventh and eighth century A.H." under the guidance of Dr. Shervin Mirshahzadeh and Dr. Seyed Gholamreza Islami and consultation with Dr. Zahra Fanaei is done.

** Department of Architecture, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

M.hokamaei@yahoo.com

*** Department of Architecture, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding author)
She.Mirshahzadeh@iauctb.ac.ir

**** Department of Architecture, Faculty of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran. *Gheslami@ut.ac.ir*

***** Department of Art, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran. *Z_fanaie@iaun.ac.ir*